

تنظیم مجدد لنز دیجیتالی اصطلاحات: نگاهی دوباره به درک اصطلاحات در یادگیری زبان به

کمک رایانه

جان آی لایوناسی

دانشگاه جنوب فلوریدا، آمریکا

این مقاله نگاهی دوباره انتقادی به درک اصطلاحات در یادگیری زبان به کمک رایانه می‌اندازد. شرایطی که به طور چشمگیر تدریس و یادگیری زبان دوم را تحت تاثیر قرار می‌دهند در میان ساختارهای آموزشی برجسته شده اند که حامی طبیعت باز سازی دهنده درک و تولید اصطلاحات در انگلیسی می‌باشند. بحث متعاقب وعده ای که فناوری های دیجیتال برای دیگر کارهای پژوهشی در زمینه اصطلاحاتی دارد را برجسته می‌سازد که شامل اصطلاحات، استعاره، تشبیه، مجاز، اغراق، ضرب المثل، عامیانه، کلیشه، بسته واژگان، تعبیرات عبارتی، ساختارهای چند کلمه ای، هم نشینی، عبارات مصطلح، و کاربرد استعاری زبان مجازی می‌باشد ولی محدود به آن‌ها نیست. استدلال می‌شود به هدف تشخیص و دست یابی، اصطلاحاتی می‌بایست آگاهانه در الگوهای آموزشی قرار گیرد که نیازمند امتحان و دقت بیشتر است. این مثال‌ها، حسب نیاز بافت و شنوندگان، برای توسعه و اصلاح دانش اصطلاحات به ویژه مفید می‌باشند علی‌الخصوص هنگامی که چنین دانشی منعکس کننده کاربرد محتاطانه و هدفمند فناوری های یادگیری زبان به کمک رایانه و ابزارهای الکترونیکی و منابع دیجیتال می‌باشد. پیامدهای آموزشی در خصوص فعالیت های یادگیری اصطلاحات و پروژه های دیجیتال بر اساس کار نیز مورد بحث قرار گرفته اند.

ارزیابی معلمان محقق و غیر محقق از مواد آموزش زبان انگلیسی: هم سو یا ناهم سو

برندالین ای مانزانو

دانشگاه ایالتی تارلاک، فیلیپین

ارزیابی مواد آموزش زبان انگلیسی فعالیتی حرفه ای مهم برای متخصصین آموزش زبان انگلیسی می‌باشد. به هر حال، سولاتی وجود دارد مبنی بر اینکه چه کسی بایستی ارزیابی را انجام دهد. گر چه همکاری بین معلمان محقق و غیر محقق اهمیت مشخصی دارد، برخی پژوهشگران از ناهم سویی احتمالی بین این دو گروه معلمان ابراز نگرانی می‌نمایند. بنابراین، این مطالعه اکتشافی به دنبال بررسی این نکته است که آیا معلمان محقق (فعال در امر تحقیق) و معلمان غیر محقق (غیر فعال در تحقیق) هنگام ارزیابی مواد آموزش زبان انگلیسی هم سو یا ناهم سو هستند. شرکت کنندگان این مطالعه شامل پنج معلم غیر محقق و پنج معلم محقق بودند که از طریق پرسشنامه ای دو بخشی به ارزیابی مواد نمونه پرداختند. این ارزیاب ها روشی بسیار عمیق را به کار بردند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا مواد را به صورت عمیق ارزیابی نمایند. نمراتی که در طی ارزیابی داده می‌شدند از طریق آمارهای توصیفی و همبستگی بین مصححی تحلیل می‌شدند. نتایج نشان داد که ارزیابی دو گروه معلم در هر یک از معیارهای ارزیابی منسجم بودند. به هر حال، معلمان غیر محقق در میان خودشان توافق بیشتری نسبت به معلمان محقق نشان دادند. این نتایج پیامدهایی برای ارزیابی مواد و تمارین کلاسی دارد.

علل هیجانان مطلوب و نامطلوب معلمان زبان انگلیسی با استفاده از چهارچوب ارزیابی-تئوری

غلام حسن خواجوی

بهزاد قنسولی

آذر حسینی فاطمی

دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

آن سی فرنزل

دانشگاه مونیخ، آلمان

با استفاده از چهارچوب ارزیابی-تئوری (فرنزل، ۲۰۱۴)، هدف این پژوهش بررسی علل هیجانان مطلوب و نامطلوبی است که توسط معلمان زبان انگلیسی در ایران تجربه می شود. نتایج مصاحبه های نیمه ساخت یافته با ۱۱ معلم زبان انگلیسی در موسسات خصوصی زبان نشان داد که تعامل مثبت با زبان آموزان، زبان آموزان با انگیزه، و پیشرفت زبان آموزان مهم ترین علل احساس لذت می باشند. برای احساس غرور، بازخورد مثبت از زبان آموزان و پیشرفت شان به عنوان علل اصلی شناسایی شد. برای اضطراب و شرم، عدم توانایی پاسخ دادن به سوالات زبان آموزان علت اصلی این هیجانان بود، و احساس مسئولیت برای عدم موفقیت زبان آموزان عامل دیگر شرم و بررسی کلاس توسط سوپروایزر و عدم آمادگی معلم عوامل دیگر اضطراب شناسایی شدند. برای خشم، موارد انضباطی، عدم تعهد به انجام تکالیف، و توضیح یک موضوع برای زبان آموزان برای چند بار در حالی که آن را نمی فهمند، به عنوان علل اصلی مشخص گردید. همچنین، زبان آموزان بی انگیزه و بی رغبت برای مشارکت، به عنوان علل خستگی شناسایی شدند. در نهایت، نتایج مورد بحث قرار گرفت و کاربردهای پژوهشی و آموزشی پیشنهاد گردید.

راهکارهای یادگیری تلفظ، استعداد و رابطه آن ها با عملکرد تلفظ در معلمان زبان انگلیسی پیش از

خدمت در شیلی

مائوریسیو ولیز-کمپوس

دانشگاه آندرس بلو، شیلی

این مطالعه به هدف اثبات اینکه آیا بین استعداد زبان دوم، راهکارهای یادگیری اصطلاحات و عملکرد تلفظ در معلمان زبان انگلیسی پیش از خدمت در شیلی رابطه ای وجود دارد یا نه انجام شد. در این راستا، این مطالعه همچنین استفاده شرکت کنندگان از راهکارهای یادگیری تلفظ را نیز آشکار می سازد. با روش همبستگی و آمار توصیفی، تمامی شرکت کنندگان در سه آزمون شرکت نمودند، آزمون استعداد زبان مدرن، نظرسنجی یادگیری راهبردی تلفظ و یک آزمون تلفظ، که هر یک جهت جمع آوری داده های مربوط به سه متغیر اصلی بودند. این مطالعه در یک دانشگاه تربیت معلم در شیلی با نمونه متشکل از ۴۳ دانشجوی سال اول و دوم انجام شد. ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن نشان داد همبستگی مهمی بین فراوانی/ زمان راهکارهای یادگیری تلفظ و صحت تلفظ و نیز بین استعداد زبان و صحت تلفظ وجود ندارد. با این وجود، کاربرد یک مدل آماری شامل بیشترین راهکارهای یادگیری تلفظ استفاده شده و آن هایی که طی بیشترین زمان استفاده می شدند همبستگی

مثبت بین راهکارهای یادگیری تلفظ و سطوح قابل فهم بودن تلفظ را نشان داد. مطالعات بعدی از ترکیب عناصر انگیزه ای برای اثبات اینکه چگونه آنها با به ویژه صحت تلفظ همبستگی دارند بایستی انجام گیرد.

رشد توانش ارتباط بینا فرهنگی از طریق داستان کوتاه: یک مطالعه کیفی

سعید رضائی

مهر داد نقیبیان

دانشگاه صنعتی شریف، ایران

این پژوهش به بررسی نقش متون ادبی در رشد توانش ارتباط بینا فرهنگی زبان آموزان در ایران پرداخته است. برای تحقق این هدف، طرح درسی چهارده جلسه ای با موضوعات بینا فرهنگی برای درس داستان کوتاه انگلیسی در دانشگاه صنعتی شریف ارائه شد. درس مورد نظر بر مبنای مدل توانش ارتباط بینا فرهنگی بایرام (۱۹۹۷) و با پیروی از مدل فرهنگی کرفت طرح ریزی شد. داستان ها از بین نویسندگان شهیر آمریکایی به گونه ای انتخاب شدند که در ارتباط با موضوعات مختلف فرهنگی در غرب بودند. این داستان ها همچنین در راستای اهداف و موضوعات ارتباطات بینا فرهنگی انتخاب شدند. شرکت کنندگان در این پژوهش ۱۳ دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف با سطح توانش زبانی متوسط و پیشرفته بودند. داستان های کوتاه با روش مقابله ای، بطوری که هر دو فرهنگ زبان اول (فارسی) و دوم (انگلیسی) مورد تاکید قرار گیرند، به آنان تدریس شد. جمع آوری داده ها در این پژوهش به دو روش انجام شد: ۱) مجموعه ای از سوالات که دانشجویان به عنوان بخشی از کار کلاسی شان در هر جلسه به آنها پاسخ می دادند و ۲) مصاحبه های نیمه ساختاریافته در ابتدا و انتهای این پژوهش. تحلیل کیفی داده ها نشان داد که زبان آموزان در رشد مهارت ارتباط بینا فرهنگی تحت مدل بایرام موفق بوده اند. نتایج این پژوهش فهم ارزشمندی از بکارگیری متون ادبی در تدریس فرهنگ زبان دوم بدست می دهد. همچنین نتایج این پژوهش می تواند برای نویسندگان کتب درسی و در دوره های تربیت دبیر مورد استفاده قرار گیرد.

بررسی ذهنیت مدرسین ضمن خدمت انگلیسی برای اهداف آکادمیک در مورد نقشهای هویتی معلم

زبان با استفاده از یک مطالعه روایتگرانه

محمود رضا عطایی

عصمت بابایی

دانشگاه خوارزمی تهران

بهروز لطفی گسکرنی

دانشگاه زابل

مطالعه اکتشافی حاضر ذهنیت مدرسین ضمن خدمت انگلیسی برای اهداف آکادمیک در مورد نقشهای هویتی معلم زبان انگلیسی را بررسی می کند. با استفاده از ابزارهای روایتگری و اظهاریه فلسفه تدریس داده های لازم از نه مدرس انگلیسی برای

اهداف آکادمیک در یکی از دانشگاه‌های دولتی ایران گردآوری شد. دیتای گردآوری شده شامل توصیف مدرسین از فلسفه تدریس خود و ارزیابی و تفسیر آنها از تدریس و کارکرد معلمین زبان انگلیسی قبلی خود می باشد. بررسی استقرایی داده ها منجر به شناسایی هشت نقش هویتی گردید. نقشهای هویتی شامل 'معلم بعنوان خالق و بهره ور فرصتهای یادگیری برای دانشجویان'؛ 'معلم بعنوان انتخابگر و کاربر مواد آموزشی'؛ 'معلم بعنوان آزمونگر و ارزیاب'؛ 'معلم بعنوان پژوهشگر'؛ 'معلم بعنوان تسهیل کننده رشد ظرفیتهای زبان آموز'؛ 'معلم بعنوان یادگیرنده تدریس'؛ 'معلم بعنوان مربی تربیت معلم' می باشد. علاوه بر ارائه یک گونه شناسی از نقشهای هویتی مورد نظر مدرسین ایرانی، یافته های این تحقیق پیشنهادهایی کاربردی برای مدرسین زبان، مربیان تربیت معلم و محققین حوزه ذهنیت شناسی و هویت شناسی معلم ارائه می نماید.

تأثیر بازخورد ترکیبی معلم-هم شاگردی روی صحت نوشتاری دانش آموزان تایلندی

تی توی لون نگوین

دانشگاه کالاسین، تایلند

امروزه اشتباهات زبانی به عنوان مشخصه های دانش کنونی دانش آموزان از زبان هدف تلقی می شوند. مطالعات متعددی روی انواع و منابع این اشتباهات انجام گرفته تا به دانش آموزان کمک کند مهارت های زبانی را به طور موثر کسب نمایند. این امر در تایلند نیز که نوشتار انگلیسی دانش آموزان یک مشکل حاد گزارش شده است، مستثنی نیست. با این وجود، تحقیقات اندکی روی راه های کمک به بهبود مهارت های نوشتاری انگلیسی دانش آموزان تایلندی انجام گرفته است. با اقتباس از مدل بازخورد ترکیبی معلم-هم شاگردی طرح شده توسط نگوین (۲۰۱۷، ۲۰۱۸) و با استفاده از یک نظرسنجی و مصاحبه نیمه سازمان یافته گروه متمرکز، این مطالعه گزارش می دهد چگونه این مدل بازخورد کمک می کند اشتباهات نوشتاری دانش آموزان تایلندی کاهش یابد و چگونه آنان به اشتباهات برای بهبود صحت نوشتاری خود پاسخ دادند. علاوه بر تایید موثر بودن این مدل در کمک به دانش آموزان تایلندی، این مطالعه همچنین ارزیابی آنان از سطح دشواری هر اشتباه، راهکارهای ویرایش آنان و فراوانی اصلاحات صحیح آنان را مورد بحث قرار داده است. بنابراین انتظار می رود نتایج این مطالعه چگونگی کمک به دانش آموزان تایلندی برای غلبه بر مشکلات نوشتار انگلیسی، کاهش اشتباهات نوشتاری و بهبود مهارت های نوشتاری آنان را روشن تر نماید. بیش از آن، امید است مطالعه حاضر تا حدودی چگونگی وفق دادن رویکردها و مواد آموزشی معلمان ضمن خدمت در راستای افزایش توانایی نوشتاری فراگیران زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی را انعکاس دهد.